

ترس از جرم در مناطق جرم خیز شهر شیراز^۱

حبیب احمدی*، مریم سروش** و حسین افراسیابی**

*گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

**دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز

چکیده

این مقاله به بررسی ترس از جرم و عوامل فردی و محله‌ای مرتبط با آن می‌پردازد. به این منظور یک مطالعه پیمایشی به کمک پرسشنامه‌ای که توسط ۳۰۰ نفر از ساکنین دو محله جرم خیز شهر شیراز (محله احمدی نو و ده پیاله) صورت گرفت. نتایج حاکی از آن است که از میان متغیرهای فردی، جنسیت رابطه معناداری با ترس از جرم داشته و مردان ترس از جرم را بیش از زنان گزارش کرده‌اند. سایر متغیرهای فردی (سن، تحصیلات، قومیت، درآمد و مالکیت منزل مسکونی) رابطه معناداری با ترس از جرم نداشته‌اند. از سوی دیگر متغیرهای مربوط به محله، از جمله بی‌نزاکتی، دلبستگی به محله، کیفیت محله و درک جرم در محله به شکل معناداری با ترس از جرم رابطه دارند. در رگرسیون چند متغیره نیز تنها متغیر بی‌نزاکتی وارد مدل شده و توانسته ۱۹ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نماید.

واژه‌های کلیدی: ترس از جرم، محلات جرم خیز.

Study of Fear of Crime in High Crime Areas in Shiraz

H. Ahmadi*, M. Soroush** and H. Afrasiabi***

* Sociology Department, Shiraz University

** Ph.D Student, Shiraz University

Abstract

This paper investigated fear of crime in the case of personal and neighborhood related variables. A questionnaire survey conducted in two high crime areas (Ahnmadino and Dehpialeh) in Shiraz-Iran, among 300 residents. Results showed that among personal variables, gender had significant relationship with fear and surprisingly males were more fearful than females. Other personal variables didn't have significant relationship with fear of crime (age, education, ethnicity, income, home ownership). But neighborhood related variables (incivility, neighborhood attachment, and neighborhood quality and crime perception in neighborhood) significantly related to fear of crime. In regression multivariate analysis only incivility entered and explained 19 percent of dependent variable.

Keywords: fear of crime, incivility, neighborhood attachment, neighborhood quality, crime perception

مقدمه

دهد. اشاعه ترس از جرم منجر به رفتارهایی می شود که برهم زننده کل اجتماع است (هال، ۱۹۹۶؛ اسکوگان، ۱۹۹۰؛ تیلورف ۱۹۹۶؛ مایز، ۲۰۰۱).

از دهه ۱۹۶۰ ترس از جرم بعنوان به عنوان یک واقعیت اجتماعی^۲ که به اندازه خود جرم دارای اهمیت است، تشخیص داده شد (پری و همکاران، ۱۹۹۴؛ اکاه، ۲۰۰۰). مطالعات ترس از جرم عموماً بر ویژگی های فردی و محیطی همچون متغیرهای علی تأکید می ورزند.

این مطالعه به عوامل ترس از جرم در مناطق جرم خیز شهری پرداخته است. اینکه مردم چه احساسی در مورد زندگی کردن در یک محله جرم خیز دارند و چه متغیرهایی، و به طور خاص کدام جنبه از ویژگی های محله بر این احساس تأثیر دارد. این مطالعه بر نقش محله و روابط مردم با آن به عنوان متغیر بسیار مهم و موثر بر ترس از جرم و احساس امنیت (والکلایت، ۱۹۹۸) می پردازد.

امروزه تردیدی نیست که مناطق شهری جرم خیزترین و از همین رو، ترس آفرین ترین مکانها به شمار می روند. بر همین اساس توجه زیادی به ترس از جرم در مناطق شهری توسط محققین در نقاط مختلف دنیا صورت می گیرد (علیخواه و نجیبی، ۲۰۰۶؛ شافر و همکاران، ۲۰۰۶؛ مایز، ۲۰۰۱؛ اوانز و فلتچر، ۲۰۰۰؛ اکاه، ۲۰۰۰؛ والکلایت، ۱۹۹۸؛ حقیقی و سورنسون، ۱۹۹۶؛ اسکوگان، ۱۹۹۰؛ یین، ۱۹۸۵؛ کلمنته و کلیمن، ۱۹۷۷).

این توجه تا حدودی بدین دلیل است که ترس از جرم تأثیر قابل توجهی بر کیفیت زندگی^۱ دارد. ترس از جرم می تواند پیامدهای ناخوشایندی برای افراد داشته باشد و احساس بی اعتمادی، عدم امنیت و آسیب پذیری را در افراد ایجاد نماید. البته تأثیر ترس از جرم تنها به سطح فردی محدود نشده و در سطح اجتماعی نیز پیامدهای منفی را به همراه دارد (مایز، ۲۰۰۱).

ترس از جرم می تواند اجتماعات را تجزیه کند و توان مقابله اثربخش با فعالیت های مجرمانه را کاهش

2- Social fact

1- Quality of life

قربانیان جرایم را می‌شناسند، به طور غیرمستقیم قربانی شده‌اند (مایز، ۲۰۰۱).

دیدگاه قربانی شدن همچنین این ایده را در برمی‌گیرد که آسیب‌پذیری فیزیکی و اجتماعی بر اساس عوامل جمعیت‌شناختی از جمله جنسیت، نژاد و پایگاه اجتماعی، ترس از جرم را تشدید می‌کند. بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند که زنان و افراد مسن، که احساس آسیب‌پذیری^۵ بیشتری دارند، ترس از جرم بیشتری را نیز نشان می‌دهند (مایز، ۲۰۰۱؛ حقیقی و سورنسون، ۱۹۹۶؛ اکاه، ۲۰۰۰؛ اوانز و فلتچر، ۲۰۰۰؛ شافر و همکاران، ۲۰۰۶؛ سیر، ۲۰۰۴؛ کلمنته و کلیمن، ۱۹۷۷؛ علیخان و نجیبی، ۲۰۰۶؛ مدیریف، ۲۰۰۶). تبیین مشابهی را می‌توان برای رابطه بین درآمد پایین و ترس از جرم در نظر گرفت (اکاه، ۲۰۰۰؛ سیر، ۲۰۰۴؛ مایز، ۲۰۰۱؛ شافر و همکاران، ۲۰۰۶؛ علیخان و نجیبی، ۲۰۰۶؛ مدیری، ۲۰۰۶).

دومین علت ممکن ترس از جرم تأثیر بی‌نزاکتی‌ها است. در واقع ترس از قربانی شدن نمی‌تواند از درک بی‌نزاکتی‌ها یا انحرافات عمومی فیزیکی یا اجتماعی جدا شود (اوانز و فلتچر، ۲۰۰۰). این واقعیت می‌تواند از طریق شکاف بین نرخ قربانی شدن و سطح ترس از جرم مشاهده شود. این بی‌نزاکتی‌ها شامل جوانان یاغی، نوشیدن مشروبات الکلی در انظار عمومی، همسایه‌های پرسر و صدا، رها کردن زباله‌ها و امثال اینها که می‌تواند باعث تسهیل ترس از جرم شود (شافر و همکاران،

جرم‌خیز بودن این مناطق نشان‌دهنده پیش‌فرض تاریخی جامعه‌شناختی پیرامون ماهیت بی‌سازمان و خطرناک این مناطق است. بنابراین سوال اصلی ما در این مطالعه این است: (۱) چه رابطه‌ای بین ویژگی‌های فردی و ترس از جرم وجود دارد؟ (۲) بین جنبه‌های مهم محله (کیفیت محله و دلبستگی به محله و ...) و ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز چه رابطه‌ای وجود دارد؟

ادبیات تحقیق

پژوهشگران به تازگی سه مفهوم را پیرامون تبیین ترس از جرم ارائه نموده‌اند که تنوع فرضیات در تبیین این پدیده را نشان می‌دهد. این مفاهیم قربانی شدن^۱، امور مربوط به محله^۲ و بی‌نزاکتی‌های فیزیکی و اجتماعی^۳ است (مایز، ۲۰۰۱).

بسیاری از مطالعات، رابطه مثبتی را بین خشونت فیزیکی، و قربانی شدن غیرمستقیم^۴ با ترس از جرم گزارش کرده‌اند (اسمیت و میل، ۱۹۹۱؛ اکاه، ۲۰۰۰؛ مایز، ۲۰۰۱؛ کلمنته و کلیمن، ۱۹۷۷؛ اوانز و فلتچر، ۲۰۰۰؛ و بسیاری دیگر). در حالی که قربانی شدن تا حدی در ترس از جرم نقش دارد، اما دیدگاه قربانی شدن غیرمستقیم در تلاش است تا توضیح دهد که تجربه‌های غیرمستقیم قربانی شدن، ترس از جرم را گسترده‌تر می‌کند. چنانکه کسانی که در مورد جرم می‌شنوند یا

-
- 1- Victimization
 - 2- Neighborhood affairs
 - 3- Physical and social incivilities
 - 4- Vicarious Victimization

که ترس از جرم می‌تواند بخشی از این سندروم روان شناختی باشد (لیسکا، لاورنس و سانچریکو، ۱۹۸۲).

ترس و احساس آرامش بیشتر با ادراکات ذهنی از کیفیت زندگی محله در رابطه است تا اینکه با اصل یعنی جرم در رابطه باشد. نابسامانی و کیفیت محله به طور معنادار از نظر آماری در اغلب مدل‌های ارایه شده قرار دارند. بر این اساس، کاهش جرم ممکن است ترس را کاهش ندهد. در عوض کاهش دادن موقعیت‌های نابسامان ادراک شده و بهبود کیفیت زندگی در محله ممکن است در کاهش ترس ساکنان تأثیر بیشتری داشته باشد (شافر و همکاران، ۲۰۰۶؛ والکلیت، ۱۹۹۸).

تعامل یک فرد با محله خود، می‌تواند به رفع پیچیدگی ترس از جرم کمک کند. پیوند یک فرد با اجتماع خود می‌تواند منجر به افزایش یا کاهش ترس او از جرم شود. برخی از مطالعات نشان داده‌اند که اگر احساس شود که اجتماع محلی بدتر شده است و اگر احساس شود که منطقه بومی نسبت به سایر نقاط کشور دارای جرایم بیشتری است آنگاه ترس از جرم افزایش می‌یابد (اوانز و فلتچر، ۲۰۰۰؛ هال، ۱۹۹۶) و از سوی دیگر درک محله بعنوان یک محله بسامان و رضایت بخش، تأثیر بسیار زیادی بر ترس دارد (شافر و همکاران، ۲۰۰۶). در این مطالعه ترس از جرم بعنوان «یک پاسخ هیجانی به تهدید و ابراز احساس خطر و اضطراب یک فرد از اینکه در معرض آسیب قرار گیرد (اوانز و فلتچر، ۲۰۰۰) تعریف شده است.

۲۰۰۶؛ سیر، ۲۰۰۴). این ایده در نظریه پنجره‌های شکسته^۱ نیز مورد تأکید قرار گرفته که با احساس عدم امنیت عمومی در میان مردم و جرم و ترس از جرم رابطه دارد (داونز و راک، ۱۹۹۸).

مایز دریافت که بی‌نزاکتی‌های اجتماعی همان تأثیری را بر ترس از جرم دارند که بی‌نزاکتی‌های فیزیکی دارند (مایز، ۲۰۰۱). زمانی که ساکنین نابسامانی را در محله خود درک می‌کنند، کنترل محله مورد تهدید قرار می‌گیرد، فعالیت‌های محله تضعیف شده و ترس از جرم افزایش می‌یابد (ص ۷۶، همان). اضمحلال اجتماعی و فیزیکی می‌تواند حاکی از این باشد که یک محله توان کنترل را از دست داده است و ترس از جرم را افزایش می‌دهد. این می‌تواند در مناطق جرم خیز رخ دهد.

از سوی دیگر پیوندهای مردم با محله‌شان به دلبستگی بیشتر، درک ادغام اجتماعی^۲ و سرمایه گذاری در محله (مالکیت منزل مسکونی) و کیفیت محله می‌تواند مانع ترس شود (شافر، ۲۰۰۶). ایده شهر گرایی^۳ که بوسیله لوئیس ورت توسعه داده شد، چنین مطرح می‌کند که شهرهای بزرگ با تعارض هنجاری، فردگرایی، غیرشخصی بودن، گسسته شدن روابط نخستین و نظارتهای غیررسمی منجر به وضعیت روان شناختی زیانباری از جمله بیگانگی، بی‌قدرتی، ترس و اضطراب همراه است. گارفالو و لایب نیز این بحث را طرح می‌کنند

1- Broken windows
2- Social integration
3- Urbanism

۲- بین متغیرهای مربوط به محله از جمله نگرش به محله، کیفیت محله، دلبستگی به محله، نگرش به پلیس و درک جرم و بی‌نزاکتی در محل با ترس از جرم رابطه وجود دارد.

۳- بین تلقی آسیب‌پذیری فیزیکی و اجتماعی و ترس از جرم رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

یکی از مشکلات ادبیات موجود پیرامون ترس از جرم این است که پژوهشگران از سنج‌های متفاوتی برای سنجش ترس استفاده می‌کنند زیرا یک تعریف پذیرفته شده جهانی از ترس از جرم در این مطالعات دنبال نمی‌شود (مایز، ۲۰۰۱؛ دورنر و لوب، ۱۹۹۸).

ترس از جرم یک مفهومی است که به خوبی تعریف نشده است. (فرارو، ۱۹۹۵) و بطور معمول با پاسخ به این سؤال سنجیده می‌شود که "در هنگام قدم زدن به تنهایی در این منطقه تا چه میزان احساس آرامش می‌کنید؟" چنان که فرارو و لاگرانگ (۱۹۸۷) اشاره کرده‌اند، سنجش ترس از جرم باید فراتر از اشارات کلی مردم یک محله باشد و قضاوت آنها در مورد سلامت باید با سؤالات شخصی در مورد ترس در ارتباط با انواع خاصی از جرم باشد.

مشکل دیگری در ارزیابی ترس از جرم وجود دارد. محققین بر ترس از جرایم خشن تأکید می‌کنند در حالی که اغلب قربانی شدن‌های غیرخشن را نادیده می‌گیرند.

بسیاری از مطالعات که متغیرهای مربوط به اجتماع (محله) را در نظر گرفته‌اند، نشان داده‌اند که تلقی منفی یک فرد از محله (اکاه، ۲۰۰۰)، احساس نظم یا نظارت اجتماعی و مشاهده بی‌نزاکتی در یک اجتماع محلی (مک‌گارل و همکاران، ۱۹۹۷؛ پارکینز و تیلور، ۱۹۹۶؛ مایز، ۲۰۰۱، اسکوغان، ۱۹۹۰؛ تیلور و کاوینگتون، ۱۹۹۳)، انسجام محله (مایز، ۲۰۰۱) و رضایت از محله (هارتاگل، ۱۹۷۹) بر میزان ترس از جرم تأثیر دارند.

به طور خلاصه چنان که بین (۱۹۸۵) نیز گفته است، ترس از جرم تابعی از شخص و محیط است. عوامل شخصی همچون سن، جنسیت، قربانی شدن و تلقی خطرناک بودن محله به همراه با برخی عوامل محیطی همچون ترکیب قومیتی محله، مراقبت پلیس محلی، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و نشانه‌های بی‌نزاکتی در یک محله، ترس از جرم حاصل و در تعامل با این نیروهای شخصی و محیطی همزیست و متعامل است (اکاه، ۲۰۰۰).

در این مطالعه نقش متغیرهای شخصی و محیطی در ترس از جرم در دو محله جرم‌خیز شهر شیراز (محله‌های احمدی‌نو و ده پیاله) و با تأکید بیشتر بر ویژگی‌های محیطی و محله مورد مطالعه قرار گرفته است. بر این اساس سه فرضیه اصلی ارائه می‌شود:

۱- بین متغیرهای جمعیت‌شناختی همچون جنسیت، سن، قومیت، درآمد، وضعیت تأهل و تعداد فرزندان بالای ۱۸ سال خانواده و ترس از جرم رابطه وجود دارد.

همچنین توجه کمی به تمایز بین قربانی شدن بصورت شخصی و مالی قایل می‌شوند (مایز، ۲۰۰۱).

سنجش مناسب باید شاخص‌های چندگانه‌ای را در برگیرد و شامل جرایم علیه اشخاص و مالی همراه با درجات ترس باشد (مایز، ۲۰۰۱؛ حقیقی و سورنسون، ۱۹۹۶؛ ویلیامز و دیکسون، ۱۹۹۳؛ تیلور و هال، ۱۹۸۶). برای دستیابی به شاخص‌های دارای اعتبار و قابل اعتماد از ترس از جرم، بهترین راه این است که نوع جرم برای پاسخگو مشخص شود (اکاه، ۲۰۰۰؛ فرارو و لاگرانگ، ۱۹۸۷).

بنابراین در بررسی حاضر، بر اساس ۹ جرم که بیشتر در میدان تحقیق گزارش شده‌اند، ترس از جرم بعنوان ترکیبی از نگرانی پاسخگویان از قربانی شدن بصورت شخصی و مالی و میزان احساس امنیت، مورد سنجش قرار گرفت. این ابعاد در یک طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفت. ادراک خطر قربانی شدن به دو بخش تقسیم شد تا جرایم علیه اشخاص و مالی تفکیک شود. برای دستیابی به میزان کلی ترس از جرم، این سه متغیر با یکدیگر جمع شد.

نمونه مورد مطالعه، شامل ۳۰۰ نفر از زنان و مردان ساکن در محله‌های احمدی نو و ده پیاله شهر شیراز بود. تعداد نمونه نیز به کمک فرمول آماری کوکران تعیین شد و به شیوه نمونه گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شدند. بدین منظور ابتدا فهرستی از ساکنین دو محله تهیه شده و با محاسبه فاصله مناسب نمونه مورد نظر انتخاب گردید.

متغیرهای سن، درآمد و تعداد فرزندان زیر ۱۸ سال خانواده در سطح فاصله مورد سنجش قرار گرفت. جنسیت بعنوان یک متغیر دو مقوله‌ای که ۱ برای زنان و ۲ برای مردان در نظر گرفته شد. سطح تحصیلات در سطح تربیتی و شامل ۵ سطح از ابتدایی تا دکترا می‌شد. قومیت بعنوان متغیری اسمی و قومیت‌های فارس، ترک، لر، بلوچ، عرب و کرد را در برمی‌گرفت. وضعیت تأهل نیز متغیری اسمی است که دارای سه مقوله مجرد، مزدوج و بدون همسر (مطلقه، بیوه و متارکه) می‌باشد.

سایر متغیرها به کمک طیف‌هایی که به شیوه لیکرت طراحی شد، مورد اندازه گیری قرار گرفتند. جدول شماره یک تعداد گویه‌ها و ضریب آلفای کرونباخ هر یک از طیف‌ها را نشان می‌دهد.

نگرش به پلیس^۱: به معنای میزان باور پاسخگویان به ابزار است که پلیس مسئولیت‌های خود را به درستی انجام می‌دهد و همچنین تمایل پاسخگویان به همکاری با پلیس می‌باشد.

نگرش به محله^۲: به میزان رضایت ساکنین از محله و زندگی در آن اشاره دارد.

کیفیت محله^۳: به معنای منابع و امکانات موجود در محله از جمله مرکز بهداشت، پارک، مدرسه و مسجد می‌باشد.

ادراک آسیب پذیری فیزیکی و اجتماعی^۱: به معنای میزانی است که فرد فکر می‌کند ممکن است بصورت

1- Attitude toward police

2- Attitude toward neighborhood

3- Neighborhood quality

که در این محله‌ها زندگی می‌کنند مهاجرانی هستند که از استانهای دیگر و برخی از مناطق استان فارس به این شیراز آمده‌اند و پایگاه اقتصادی اجتماعی پایینی دارند. آنها دارای قومیت‌های متفاوتی مانند فارس، ترک، لر، عرب، کرد و بلوچ هستند.

پاسخگویان بین ۲۰ تا ۷۹ سال سن داشته‌اند (میانگین سنی = ۳۸/۰۶ سال). از بین ۳۰۰ پاسخگو ۵۱/۵٪ زن و ۴۸/۵٪ مرد بوده‌اند. ۶۶/۴٪ متأهل و ۲۲/۱٪ مجرد بوده و ۱۱/۴٪ درصد نیز بدون همسرشان زندگی می‌کرده‌اند. ۲۶/۷٪ از پاسخگویان در حد ابتدایی تحصیل کرده‌اند، ۳۱/۴٪ درصد دبیرستان را تمام نکرده‌اند و ۲۷/۷٪ دارای مدرک دیپلم بوده و ۱۴/۲٪ تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند. ۶۸/۸٪ از پاسخگویان در خانه‌های خودشان زندگی می‌کرده‌اند و ۳۱/۲٪ درصد نیز بصورت اجاره‌نشینی، خانه‌بستگان و ... زندگی می‌کردند. جدول ۳ توزیع فراوانی متغیرهای جمعیت‌شناختی را نشان می‌دهد.

بدنی یا اجتماعی آسیب ببیند یا قربانی شود. آسیب‌پذیری اجتماعی بیشتر به قربانی شدن حیثیت اجتماعی فرد است.

دلبستگی به محله^۲: به عنوان احساس مثبت و رضایت از زندگی در محل و تمایل به ادامه زندگی در همین محله تعریف شده است.

نگرانی از جرایم علیه اموال^۳: به معنای احساس خطر ساکنین در مورد اموالشان در محله همچون خودرو و منزل می‌باشد.

نگرانی از جرایم علیه اشخاص^۴: اشاره به نگرانی پاسخگو از آسیب دیدن یا مورد حمله قرار گرفتن از سوی سایر ساکنین محله دارد.

احساس آرامش^۵: در مقابل احساس نگرانی قرار می‌گیرد و اشاره به احساس امنیت در محله دارد.

اعتبار سازه‌ای با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون بین گویه‌های ترس از جرم و جنبه‌های متفاوت آن بررسی شده است و اعتبار سازه‌ای داخلی با روش تحلیل گویه و همبستگی بین هر گویه و کل طیف بررسی شده است. جدول ۲ همبستگی‌ها را نشان می‌دهد:

دو منطقه جرم‌خیز از شیراز در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفته‌اند که نیروی انتظامی و مسئولان شهری را زیاد به خود مشغول کرده‌اند. بسیاری از افرادی

-
- 1- Perception of physical and social vulnerability
 - 2- Attachment to Neighborhood
 - 3- Worry about property crimes
 - 4- Worry about personal crimes
 - 5- Feeling Safe

جدول ۱- تعداد گویه ها و ضریب آلفای کرونباخ طیف ها

طیف	تعداد گویه ها	ضریب آلفای کرونباخ
نگرش به پلیس	۷	۰/۷۷
نگرش به محله	۵	۰/۸۰
کیفیت محله	۸	۰/۷۳
درک آسیب پذیری فیزیکی و اجتماعی	۵	۰/۸۱
دلبستگی به محله	۱۰	۰/۸۴
درک جرم و بی نزاکتی	۱۹	۰/۹۴
نگرانی از جرایم علیه اموال	۱۱	۰/۹۵
نگرانی از جرایم علیه اشخاص	۵	۰/۷۶
احساس امنیت*	۴	۰/۷۲

* ترس از جرم حاصل مجموع سه متغیر آخر می باشد.

جدول ۲- همبستگی بین ابعاد ترس از جرم

طیف	احساس امنیت	ترس از جرایم علیه اشخاص	ترس از جرایم علیه اموال	ترس از جرم
احساس امنیت	۱			
ترس از جرایم علیه اشخاص	۰/۲۲	۱		
ترس از جرایم علیه اموال	۰/۲۰	۰/۸۳	۱	
ترس از جرم	۰/۵۳	۰/۹۰	۰/۹۰	۱

* - $p < 0.01$

جدول ۳- توزیع فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
سن (سال)	۲۰	۷۹	۳۸/۰۶	۱۱/۷۸
میزان درآمد (ریال)	۵۰۰۰۰۰	۸۰۰۰۰۰۰	۲۳۴۲۷۰۰	۱۰۰۳۱۷/۳۷
مدت زندگی در محله	۴	۴۵	۱۶/۴۵	۹/۳۲
تعداد بچه های زیر ۱۸ سال	۱	۷	۲/۰۷	۱/۰۴

۲۰ تغییر کرده است (میانگین = $۱۳/۵$) که از میانگین اسمی طیف (۱۲) بیشتر است. نگرانی از جرایم علیه اموال و شخصی هر دو بین ۵ تا ۲۵ تغییر کرده اند اما میانگین ترس از جرایم علیه اموال (میانگین = $۱۰/۹$) از میانگین ترس از جرایم علیه اشخاص (میانگین = $۱۲۹/۷$) کمتر بوده است. همچنین میانگین این دو متغیر نیز از میانگین اسمی طیفها کمتر بوده است.

آماره های توصیفی ارایه شده در جدول ۴ متغیرهای بی نزاکتی، ادراک جرم در محله، ترس از جرم و ابعاد متفاوت آن (احساس امنیت، نگرانی از قربانی شده جان و مال) را نشان می دهد. احساس امنیت با استفاده از یک طیف چهار گویه ای، ترس از قربانی شدن از جهت مالی و شخصی هر دو با استفاده از طیفهای ۵ گویه ای عملیاتی شده اند. هر یک از این گویه ها ۵ قسمتی بوده و از ۱ تا ۵ تغییر می کنند. نمرات احساس امنیت بین ۴ تا

جدول ۴- توصیف متغیرهای فاصله ای تحقیق

متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
احساس امنیت	۴	۲۰	۱۳/۵	۳/۹
ترس از جرایم علیه اموال	۵	۲۵	۱۰/۹	۵/۳
ترس از جرایم علیه اشخاص	۵	۲۵	۱۲/۷	۵/۲
ترس از جرم	۱۴	۷۰	۳۷/۱	۱۱/۶
بی نزاکتی	۷	۳۵	۱۸/۲	۶
ادراک جرم	۱۰	۵۰	۲۴/۲	۸/۷

نظر گرفته شده اند. جدول ۵ نتایج بدست آمده از آماره هایی که این روابط را در مورد احساس امنیت، ترس از جرایم علیه اموال، ترس از جرایم علیه اشخاص و ترس از جرم بطور کلی با متغیرهای جمعیت شناختی بررسی می کند را نشان می دهد.

فرضیات و نتایج

فرضیه اول: بین متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنس، قومیت، میزان درآمد، وضعیت تاهل و تعداد کودکان زیر ۱۸ سال در خانواده) و ترس از جرم رابطه معناداری وجود دارد. همسو با تحقیقات قبلی، تعدادی از متغیرهای جمعیت شناختی در سطح فردی در تحقیق در

جدول ۵- مقایسه میانگین‌های متغیرهای ترس از جرم و متغیرهای اسمی و رتبه‌ای

متغیر	گروه	احساس امنیت	ترس از جرایم علیه اموال	ترس از جرایم علیه اشخاص	ترس از جرم
جنسیت	مرد	۱۳/۷۹	۱۱/۱۴	۱۳/۳۹	۳۴/۶۷
	زن	۱۳/۳۱	۱۰/۶۵	۱۲/۰۹	۳۳/۳۵
	T	-۱/۰۳	-۰/۷۶	-۲/۱۱*	-۱/۱۱
میزان تحصیلات	ابتدایی	۱۳/۶۴	۱۰/۴۹	۱۲/۳۴	۳۳/۲۱
	راهنمایی و دبیرستان	۱۳/۴۰	۱۱/۷۰	۱۳/۸۲	۳۶/۰۵
	دیپلم	۱۳/۰۴	۱۰/۵۷	۱۱/۸۳	۳۳/۲۳
	لیسانس	۱۴/۶۴	۱۰/۸۱	۱۲/۴۵	۳۲/۶۲
	فوق لیسانس و بالاتر	۱۳/۴۰	۷/۶۰	۹/۷۵	۲۷/۷۵
	F	۰۹/۱	۱/۱۵	۲/۰۲	۱/۷۰
وضعیت تاهل	مجرد	۱۳/۹۲	۱۰/۳۴	۱۲/۲۱	۳۲/۵۰
	مناهل	۱۳/۴۱	۱۱/۰۵	۱۲/۸۲	۳۴/۴۷
	بدون همسر	۱۳/۹۱	۱۱/۰۶	۱۳/۱۱	۳۴
	F	۰/۵۶	۰/۴۱	۰/۴۲	۰/۸۸
قومیت	فارس	۱۳/۶۱	۱۱/۱۹	۱۳/۲۴	۳۴/۷۶
	ترک	۱۳/۶۹	۹/۹۵	۱۱/۲۵	۳۱/۲۵
	لر	۱۳/۵۹	۱۰/۸۹	۱۱/۷۵	۳۳/۰۵
	عرب	۱۳/۸۰	۱۰/۲۵	۱۳/۲۵	۳۳/۲۵
	بلوچ	۹/۲۵	۸/۵۰	۱۰/۵۰	۳۳/۷۵
	F	۱/۱۶	۰/۷۲	۱/۶۷	۰/۸۹۶

* - $P < 0.05$

متغیرهای جمعیت شناختی معنادار نبوده اند. تنها استثنای

تفاوت در میانگین‌های گزارش شده میان گروه‌های

فرزندان زیر ۱۸ سال در خانواده رابطه معناداری با متغیر وابسته و ابعاد آن نشان نداده است. تنها عدد معنادار، رابطه میان ترس از جرایم علیه اموال و تعداد سالهایی است که پاسخگو در محله زندگی کرده است. رابطه منفی و در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. این نتیجه به این معنا است که هر چه فرد مدت بیشتری در محله ساکن بوده باشد کمتر درباره جرایم علیه اموال نگرانی دارد. به نظر می‌رسد که متغیرهای جمعیت شناختی رابطه زیادی با ترس از جرم نشان نداده اند و این فرضیه تایید زیادی بدست نیاورده است.

جدول ۵ مربوط به ترس از جرایم علیه اشخاص است که بین زنان و مردان تفاوت معناداری نشان داده است. بر خلاف اکثر تحقیقات گذشته در این تحقیق میانگین همه ابعاد ترس از جرم برای مردان بیش از زنان است. در این مورد مردان بصورت معناداری بیشتر از زنان از قربانی شدن می‌ترسند. تحصیلات، وضعیت تاهل و قومیت هیچ تفاوت معناداری در ترس از جرم و ابعاد آن نشان نداده اند. جدول ۶ همبستگی پیرسون بین متغیرهای فاصله ای و متغیر وابسته را نشان می‌دهد. نتایج این جدول نشان می‌دهد که سن، میزان درآمد و تعداد

جدول ۶- همبستگی پیرسون بین ترس از جرم و متغیرهای فاصله ای

متغیر	احساس امنیت	ترس از جرایم علیه اموال	ترس از جرایم علیه اشخاص	ترس از جرم
سن	۰/۰۵	-۰/۰۳	-۰/۰۴	-۰/۰۲
میزان درآمد	-۰/۰۶	-۰/۰۰۶	-۰/۰۵	-۰/۰۵
طول مدت اقامت در محله	۰/۰۸	-۰/۱۲*	-۰/۰۵	-۰/۰۵
مالکیت خانه	-۰/۰۶	-۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۳
نگرش نسبت به محله	-۰/۱۰	-۰/۰۷	-۰/۱۰	-۰/۱۳*
کیفیت محله	-۰/۰۰۴	-۰/۲۳**	-۰/۲۱**	-۰/۲۳**
دلبستگی به محله	-۰/۰۳	-۰/۴۰*	-۰/۱۴*	-۰/۱۵۹**
نگرش نسبت به نیروی انتظامی	۰/۰۲	-۰/۱۶**	-۰/۱۶**	-۰/۱۶۴**
بی نزاکتی	۰/۰۳	۰/۴۰**	۰/۴۷**	۰/۴۶**
ادراک جرم	۰/۰۴	۰/۲۹**	۰/۴۰**	۰/۳۷**
آسیب پذیری	-۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۰۵۱

* - $p < 0.05$ ** - $p < 0.001$

جرم رابطه معناداری وجود دارد.

مشاهده شده است که ساکنان محله های همگن تر

فرضیه ۲- بین متغیرهای مربوط به محله و ترس از

داشته است.

فرضیه ۳- بین ادراک آسیب پذیری جسمی و اجتماعی و ترس از جرم رابطه معناداری وجود دارد. یکی از عوامل محتمل ترس از جرم، آسیب پذیری درک شده برای محافظت از خود در برابر جرم است. جدول ۶ نشان می دهد که متغیر میزان آسیب پذیری ادراک شده رابطه معناداری با ترس از جرم نشان نداده است. به نظر می رسد که ادراک آسیب پذیری با احساس امنیت، نگرانی از جرایم علیه اموال و اشخاص و ترس از جرم بطور کلی ارتباطی نداشته باشد. بنابراین تعجب آور نیست که زنان کمتر از مردان احساس ترس می کنند!

تحلیل های چند متغیره

ما متغیرهای زیادی را که تصور می شد با ترس از جرم در مناطق جرم خیز رابطه داشته باشند اندازه گرفته ایم. در تحلیل های دو متغیره نیز روابطی بین متغیرهای مربوط به محله و ترس از جرم یافته ایم. در اینجا لازم است این متغیرها را در یک تحلیل چند متغیره بررسی کنیم. رگرسیون خطی برای تعیین مهمترین متغیر تاثیر گذار بر ترس از جرم مورد استفاده قرار گرفت. رگرسیون با روش گام به گام انجام شد و جدول ۷ متغیر وارد شده به معادله رگرسیون ترس از جرم را نشان می دهد.

و منسجم تر ترس کمتری از جرم دارند. بنابراین متغیرهایی از قبیل کیفیت محله، نگرش نسبت به محله، مالکیت خانه (بعنوان نشانه ای از سرمایه گذاری در محله)، دلبستگی به محله، نگرش نسبت به پلیس، ادراک بی نزاکتی و ادراک جرم در محله در نظر گرفته و اندازه گیری شدند.

همانطور که جدول ۶ نشان می دهد احساس امنیت رابطه معناداری با متغیرهای محله ای نشان نداده است. اما این امر در مورد ترس از جرایم علیه اموال و اشخاص و همچنین ترس از جرم بطور کلی صادق نیست.

کیفیت محله رابطه منفی و معناداری با ترس از جرایم علیه اموال و اشخاص و ترس از جرم بطور کلی نشان داده است. ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که قدرت رابطه تقریباً برای همه ابعاد یکسان است و نشان می دهد که هر چه کیفیت محله بیشتر برآورد شود فرد کمتر از جرایم علیه اموال و اشخاص احساس ترس می کند.

به همین ترتیب دلبستگی به محله و نگرش نسبت به نیروی انتظامی بصورت منفی و معناداری با نگرانی از جرایم علیه اموال و اشخاص و ترس بطور کلی دارند. نگرش نسبت به نیروی انتظامی همبستگی ضعیفتری نشان داده است. بی نزاکتی و ادراک جرم با قوت زیادی به ترس مربوط شده اند. ادراک بی نزاکتی قدرت پیش بینی بیشتری در مورد ترس از جرم دارد. بی نزاکتی و ادراک جرم در مورد ترس از جرایم علیه اشخاص قدرت پیش بینی بیشتری نشان داده اند و در مورد جرایم علیه اموال ادراک بی نزاکتی از همه متغیرها اهمیت بیشتری

جدول ۷- متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون به روش گام به گام

متغیر	R ²	S.E	Beta	T	Sig. T
بی نزاکتی	۰/۱۹	۹/۲۸	۰/۴۳	۶/۶۵	۰/۰۰۰

$$F = ۴۴/۲۱ \text{ Sig } F = ۰/۰۰۰$$

جدول ۷ نشان می‌دهد که از میان متغیرهایی که در تحلیل‌های دو متغیره رابطه معناداری با ترس از جرم نشان داده بودند (نگرش نسبت به محله، کیفیت محله، دلبستگی به محله، نگرش نسبت به نیروی انتظامی، ادراک جرم و بی نزاکتی) تنها ادراک بی نزاکتی وارد معادله رگرسیون شده است و ۱۹ درصد از متغیر وابسته را توضیح می‌دهد.

جمع بندی

نتایج نشان می‌دهند که متغیرهای جمعیت شناختی و فردی رابطه معناداری با ترس از جرم و ابعاد آن نشان نداده‌اند. بر خلاف مطالعات گذشته مردان بیشتر از زنان در منطقه مورد بررسی از جرم ترس داشته‌اند. این نتیجه عجیب، فقط در مورد ترس از جرایم علیه اشخاص معنادار بوده است اما در موارد دیگر تفاوت معناداری بین زنان و مردان مشاهده نشده است. اکثر تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده‌اند دریافته‌اند که زنان بیشتر از قربانی شدن (بخصوص در مورد جرایم علیه اشخاص) می‌ترسند. برخی از تحقیقات انجام شده حتی اعتقاد دارند که ترس بیشتر زنان از جرایم علیه اشخاص بدلیل آزارهای جنسی است (فرضیه سایه ای) (اسچافر و

دیگران، ۲۰۰۶). اما در این تحقیق نتیجه عکس گرفته شده است. شایسته است که توجه داشته باشیم که در واقعیت، معمولاً زنان با احتمال کمتری قربانی جنایات می‌شوند و اکثر قربانیان جرایم علیه اشخاص را مردان تشکیل می‌دهند. بنابراین این تحقیق از فرضیه قربانی شدن پشتیبانی می‌کند.

تحقیقات پیشین نتایج متفاوتی در باره سن نشان داده‌اند. برخی از تحقیقات نشان داده‌اند که با افزایش سن ترس از جرم نیز افزایش می‌یابد (اسمیت و هیل، ۱۹۹۱؛ ویلامز و دیکینسون، ۱۹۹۳؛ حقیقی و سورنسون، ۱۹۹۶) اما برخی دیگر از تحقیقات نشان داده‌اند که سن متغیر با اهمیتی نیست (پرکینز و تیلور، ۱۹۹۶). در این تحقیق سن رابطه معناداری با ترس از جرم و ابعاد آن نشان نداده است.

رابطه بین میزان درآمد و ترس از جرم در این تحقیق معنادار نبوده است. درآمد، تغییر معناداری در ترس از جرم ایجاد نمی‌کند. این نتیجه بر خلاف یافته‌های قبلی که دریافته‌اند ترس از جرم با پایگاههای پایین تر اقتصادی اجتماعی افزایش می‌یابد، (کاوینگتون و تیلور، ۱۹۹۱؛ تیلور و هال، ۱۹۸۶؛ می، ۲۰۰۱، علیخواه و

احساس دلبستگی بیشتری به محله خود داشته باشند و نگرش مثبت تری نسبت به آن پیدا کنند، کیفیت آن را از طریق مشارکت در محله افزایش داده و در نتیجه ترس کمتری از جرم احساس خواهند کرد. از طرف دیگر اهمیت متغیرهای محله ای، نشانگر اهمیت مشارکت اجتماعی در ایجاد محله های امن است. مشارکت ساکنان در مدیریت محله می تواند کیفیت زندگی در آن را افزایش داده و محله ای بسازد با بی نزاکتی و جرایم آشکار کمتر و در نتیجه ترس پایین تر. به نظر می رسد این امر در مناطق جرم خیز هم قابل اجرا باشد.

مطابق با نظریه همکاری ۱ (مارشال، ۲۰۰۴) صرف پول به تنهایی برای محله کافی نیست. بلکه ارتقاء کیفیت خیر عمومی در محله از طریق تشویق مشارکت ساکنان آن امکان پذیر خواهد بود. مارشال (۲۰۰۴) دریافته است که پایگاه اقتصادی اجتماعی بر نیازهای اجتماعی و در نتیجه بر انگیزه های مشارکت موثر است (ص. ۲۴۱) او بر اهمیت نقش کنشگران دولتی نیز تاکید دارد. این کنشگران باید از میان افراد نیرو بگیرند تا جریان اطلاعات درباره اتفاقات محله را تسهیل کنند. در حقیقت مشارکت شهروندان، با کوششهای رهبران سیاسی برای ورود مردم به فرآیندهای سیاست گذاری شهری تشویق می شود (ص. ۲۴۲).

مشارکت اجتماعی در فرهنگ مدنی ایرانی در سطح پایینی قرار گرفته است. گرچه شوراهای محلی در ایران قانونی هستند اما تشویق نمی شوند و در بسیاری از

نجیبی، ۱۳۸۵) رابطه ای میان میزان درآمد و ترس از جرم نیافته است.

یکی از علل مهم ترس از جرم مشاهده بی نزاکتی است. اسکوگان (۱۹۹۰) دریافته است که بی نزاکتی نشانه هایی از جرم و سازوکارهایی هستند که نشان می دهند نظم محله در حال فرو ریختن بوده و آماده قانون شکنی است. رضایت از محله یکی از قویترین پیش بینهای ترس از جرم بوده و رابطه معکوس آن نشان می دهد که رضایت از محله، ترس از جرم را کاهش می دهد. این نتایج با تحقیقات قبلی همخوانی دارد. از میان متغیرهایی که به محله ارتباط دارد، خصوصیات محله، کیفیت محله، دلبستگی به محله و نگرش نسبت به نیروی انتظامی و ادراک جرم و بی نزاکتی را ترس از جرم بطور کلی و نگرانی از جرایم علیه اموال و اشخاص (اما نه احساس امنیت) رابطه معناداری داشته اند. نگرش نسبت به محله و مالکیت خانه رابطه معناداری با ترس از جرم نداشته است.

این نتایج نشان می دهد که در یک منطقه جرم خیز، خصوصیات محله مهمتر از متغیرهای جمعیت شناختی و فردی است. فرضیه آسیب پذیری با توجه به این نتایج معتبر نبوده و فرضیه قربانی شدن، اهمیت بیشتری یافته است.

از آنجا که متغیرهای محله بسیار با اهمیت بوده و رابطه منفی با ترس از جرایم علیه اموال و اشخاص دارند. بنابراین می توان گفت برنامه های CPTED (جلوگیری از جرم از طریق طراحی محیطی) می تواند ترس از جرم را کاهش دهد (کوزن، ۲۰۰۲). اگر مردم

- 4- Chiricos, T., Hogan, M., and Gertz, M.(1997). "Racial composition of neighborhood and fear of crime", *Criminology*, Vol. 35, pp. 107- 131.
- 5- Clemente, F. and Kleiman, M.(1977). "Fear of crime in the United States: A multivariate analysis", *Social Forces*, Vol., 56, pp.519- 531.
- 6- Cozens P. M., (2002). "Sustainable Urban Development and Crime Prevention Through Environmental Design for the British City. Towards an Effective Urban Environmentalism for the 21st Century", *Cities*, Vol.19, No.2, pp: 129-137.
- 7- Doerner, W. and Lab, S.(1998). *Victimology*, Cincinnati: OH:Anderson.
- 8- Evans, D and Fletcher, M.(2000). "Fear of crime: testing alternative hypothesis", *Applied Geography*, Vol., 20, pp.395- 411.
- 9- Downes D. and Rock P. (1998). *Understanding Deviance*, Oxford University Press.
- 10- Ferraro, k. and LaGrange, R.(1987). "The measurement of fear of crime", *Sociological Inquiry*, Vol., 57, pp. 70-101.
- 11- Ferraro, K.(1995). *Fear of Crime: Interpreting Victimization Risk*. New York: SUNY Press.
- 12- Haghghi, B. and Sorensen, J.(1996). American's fear of crime. In T. J. Flanagan and D. R. Longmire(Eds.), *Americans View Crime and Justice: a National Public Opinion Survey*, pp. 16-30, Thousands Oaks, CA: Sage.
- 13- Hale, C.(1996). "Fear of crime : a review of the literature", *International Review of Victimology* , Vol., 4, pp. 79-150.
- 14- Hartnagl, T.(1979). "The perception and fear of crime: implication for neighborhood cohesion, social activity and community affects", *Social Forces*, Vol., 58, pp. 179-193.
- 15- Liska, A., Lawrence, J., and Sanchirico, A.(1982). "Fear of crime as a social fact", *Social Forces*, Vol., 60, pp.760- 770.
- 16- Marshall, M. J. (2004). "Citizen Participation and the Neighborhood Context: A New Look at the Coproduction of Local Public Goods", *Political Research Quarterly*, Vol.57, No.2, pp:231-244.

مناطق اصلاً تشکیل نشده اند. در حقیقت مشارکت اجتماعی بدون سطح حداقلی از اعتماد بین مردم و اعتماد بین مردم و نیروی انتظامی امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین اقدامات پیشگیرانه بخصوص در مناطق جرم خیز باید با مشارکت محدود اجتماعی آغاز شود تا سطح اعتماد را بالا برده و در نهایت به تقویت شوراهای محله در دراز مدت بیانجامد. سازمانهای دیگر از سازمانهایی غیر از سازمانهای رسمی (مثل شورای شهر و شهرداری) و سازمانهای داوطلبانه (سازمانهای مردم نهایی که در مسائل اجتماعی و مسائل مربوط به زنان و کودکان فعالیت می کنند) بدون شک باید در نظر گرفته شوند. زیرا این سازمانها می توانند بصورت بازوی اجرایی دولت و نیروی انتظامی عمل کرده و با کمترین هزینه مشارکت اجتماعی مردم را جلب کرده و تاثیر اقدامات انجام شده و در حال انجام نیروی انتظامی را افزایش دهد و از انجام اقدامات ناصحیح جلوگیری کند.

منابع

- ۱- علیخواه، فردین و مریم نجیبی ربیعی. "زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری"، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۲ صص: ۱۰۹-۱۳۱، ۱۳۸۵.
- ۲- مدیری، آتوسا. "جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر"، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲۲، صص: ۱۱-۲۸، ۱۳۸۵.
- 3-Ackah, Y.(2000). "Fear of crime among an immigrant population in the Washington DC metropolitan area", *Journal of Black Studies*, Vol., 30, pp. 553- 573.

- 24- Taylor, R. B.(1996). "Neighborhood responses to disorder and local attachment: the systemic model of attachment, social disorganization and neighborhood use value, Sociological Forum, Vol., 11, pp. 41-74.
- 25- Taylor, R. B. and Hale, M.(1986). "Criminology: testing alternative models of fear of crime", The Journal of Criminal Law and Criminology, Vol., 77, pp. 151-189.
- 26- Taylor, R. B., and Covington J.(1993). "Community Structural change and fear of crime", Social Problems, Vol., 40, pp. 374-397.
- 27- Walklate, S.(1998). "Crime and community", The British Journal of Sociology, Vol. 49, pp. 550-569.
- 28- Williams. P., and Dickinson(1993). "Fear of crime: reaf all about it?", British Journal of Criminology, Vol., 33, pp. 33-56.
- 29- Yin, P.(1985). *Victimization of The Aged*, Springfield, IL: Charles C Thomas.
- 17- Mays, M.(2001). *The Structural Determinants of Fear of Crime*. Ph.D dissertation, The University of Texas at Arlington.
- 18- McGarrell, E., Giacomazzi, A. and Thurman, Q.(1997). "Neighborhood disorder, integration and the fear of crime", Justice Quarterly, Vol., 14, pp. 479-500.
- 19- Perkins, D., and Taylor, R.(1996). "Ecological assessments of community disorder: Their relationship to fear of crime and theoretical implications", American Journal of Community Psychology, Vol., 24, pp. 63-107.
- 20- Schafer, J., Huebner, T., and Bynum, T.(2006). "Fear of crime and criminal victimization: gender-based contrasts", Journal of Criminal Justice, Vol., 34, pp. 285-301.
- 21- Siehr, R.(2004). *Fear of Crime: Its Impact, Causes and Consequences*, Ph.D. Dissertation, Marquette University, Wisconsin.
- 22- Skogan, w.(1990). *Disorder and Decline: Crime and the Spiral of Decay in American Neighborhoods*, New York: Free Press.
- 23- Smith, L. N., and Hill, G. D.(1991). "Victimization and fear of crime", Criminal Justice and Behavior, Vol., 18, pp. 217-239.